

**بررسی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر جنگ تحمیلی**  
(مطالعه موردی: دانش‌آموزان مهاجر ساکن در تهران)

فؤاد پورآرین<sup>۱</sup>؛ حبیب شرفی صفا<sup>۲\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۲

**چکیده:** جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، جابه‌جایی‌های جمعیتی و مهاجرت‌های اجباری گسترده‌ای را به دنبال داشت. گروهی از این مهاجرین، دانش‌آموزان بودند که به همراه خانواده‌های خود به تهران مهاجرت کردند و به دلیل ناسازگاری فرهنگی و اجتماعی و شرایط نامناسب اقتصادی خانواده‌ها، با مشکلات عدیده‌ای در محل تحصیل خود روبه‌رو گردیدند. بررسی‌ها، نشان می‌دهد که بسیاری از این دانش‌آموزان مهاجر، به دلیل شرایط بد اقتصادی و مسکن نامناسب مجبور به ترک تحصیل شدند و یا به مشاغل کاذب و حتی اعتیاد و فساد روی آوردند. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که مهاجرت‌های اجباری جنگ تحمیلی، چه تأثیری بر روی کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر داشته و عوامل مؤثر بر آن کدام است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای است و جهت ارائه برخی شاخص‌های جمعیتی نیز، از گزارشات بنیاد امور مهاجرین در سال ۱۳۶۹ و از اسناد مطالعاتی هم برای پی‌بردن به وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر در اقامتگاه‌ها و محلات جدید تحصیل آنان استفاده شده است.

**واژگان اصلی:** جنگ تحمیلی، دانش‌آموزان مهاجر، وضعیت تحصیلی، مهاجرین ساکن تهران.

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی.

\*۲. دانشجوی دکترای دانشگاه خوارزمی و نویسنده مسئول (sharifihabib@yahoo.com).

## مقدمه و بیان مسئله

جنگ‌ها، یکی از متغیرهای حیات اجتماعی به‌شمار می‌روند و عمیقاً، نهادها و زندگی‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Modell and Haggerty, 1991: 206؛ ودیعه، ۱۳۸۱: ۱۳۲؛ آل‌بیرو، ۱۳۶۶: ۴۴۹). جنگ‌ها، جمعیت را جابه‌جا می‌کنند، زیرساخت‌ها و سرمایه‌ها را از بین می‌برند، فرآیند تعلیم و تربیت را مختل کرده و می‌توانند اثرات منفی محیط‌زیستی ایجاد نمایند، بر کالبد اجتماعی صدمه بزنند، آزادی‌های مدنی را به‌مخاطره انداخته و بحران‌های سلامتی و قحطی ایجاد نمایند (Miguel and Roland, 2006: 1). همچنین، جنگ‌ها، می‌توانند باعث نابودی زیربنای اقتصادی، از هم‌پاشیدن روند رشد اقتصادی و اجتماعی در سطح گسترده‌ای از جامعه شوند. ظهور مسائل و مشکلات وسیع اجتماعی و اقتصادی، مشکلات توان‌بخشی، آشفتگی‌های جمعیتی و نزول سطح و کیفیت زندگی به‌سبب کمبودهای فراوان، همه از آثار زیان‌بار جنگ محسوب می‌گردد (ادیبی‌سده، ۱۳۸۷: ۱۹۲). بنابراین، نتایج جنگ‌ها می‌توانند زندگی و ساختار اقتصادی ملت‌ها را عمیقاً، دستخوش تغییر کنند (بوتول، ۱۳۶۸: ۳۹).

در جریان جنگ تحمیلی، مهاجرین که در ابتدا برای درمان ماندن از بمباران حکومت بعثی عراق، اقدام به ترک محل خود کرده بودند، به‌محض ورود به مکان‌های جدید با سیل عظیم مشکلات روبه‌رو شدند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که مهاجرین در ابتدای ورود خود به این مکان‌ها، با آن روبه‌رو بودند، بحث اشتغال و درآمد بود که تمام سطوح زندگی آنان نیز، متأثر از این عامل بود (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴).

در این ایام، کشور در جنگی تمام‌عیار به‌سر می‌برد و بسیاری از مراکز تولیدی آن یا تعطیل شده بودند و یا در بمباران دشمن از بین رفته بودند و از سوی دیگر، مهاجرین نیز، در جریان جنگ تمام‌داری خود را از دست داده بودند و از مشکلات جسمی و روحی بسیاری رنج می‌بردند، به‌همین دلیل، مسئله درآمد و اشتغال، یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی آنان به‌شمار می‌آمد که ضعف در این زمینه، موجب برخی کاستی‌ها و آسیب‌ها در بخش‌های دیگر زندگی آنان از جمله در بخش تحصیل دانش‌آموزان مهاجر شد. خانواده‌های این دانش‌آموزان که به‌شدت درگیر مشکلات مالی و بیکاری بودند، باید هزینه‌های تحصیل کودکان خود را نیز، تهیه می‌کردند؛ اما، به‌دلیل حجم بالای مشکلات، در بیشتر موارد، سرپرست خانواده یا از پس

مخارج زندگی برنمی‌آمد و یا به دلیل مشکلات جسمی ناشی از جنگ، قادر به کار نبود؛ از این‌رو، فرزندان نیز، در بیشتر مواقع، مجبور به کار در مراکز تولیدی و یا دست‌فروشی می‌شدند که این امر، در بسیاری از مواقع، منجر به ترک تحصیل و ضعف تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر می‌شد. با توجه به ورود سیل عظیم مهاجرین جنگی به تهران، به دلیل نبود شغل و درآمد کافی، موانعی که در راه تحصیل آنان وجود داشت، دوچندان بود؛ از سویی نیز، مهاجران در تعارض فرهنگی و اجتماعی با ساکنین این محل‌ها قرار داشتند. با عنایت به موارد گفته‌شده، پژوهش حاضر، درصدد پاسخ به این سؤال است که وضعیت اشتغال و تحصیل دانش‌آموزان مهاجر جنگی در محل‌های جدید به چه صورتی بوده و پیوند وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان با مسائل اقتصادی، همچون نبود درآمد کافی و شغل مناسب خانواده‌ها، چه تأثیری در روند تحصیلی آنان داشته است؟ با بررسی‌هایی که پیرامون این موضوع صورت گرفت، مشاهده گردید که وضعیت مهاجرین جنگی و به خصوص وضعیت دانش‌آموزان مهاجر جنگی ساکن تهران، جز در پژوهش‌های اندکی همچون مطالعه احمد خداوردی‌داریان (۱۳۶۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و طرح مطالعاتی ضیاء هاشمی و همکاران (۱۳۷۶) که در هر دو پژوهش به اختصار به این موضوع پرداخته شده، دیگر پژوهش‌های جامع‌تری در این زمینه انجام نشده است؛ از این‌رو، این مهم، انجام پژوهش حاضر را ضروری می‌نماید.

مهاجرت یکی از مفاهیم پایه‌ای در جمعیت‌شناسی است؛ به طوری که، بیشتر موارد این علم، بستگی به مهاجرت در جوامع دارد و مباحث مربوط به این علم، عنایت قابل توجهی به پدیده مهاجرت دارد (زاهد، ۱۳۸۵: ۱۶۵؛ شیخی، ۱۳۶۸: ۱۱۱؛ زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۲؛ معین، ۱۳۶۰: ۴۴۵۷). مهاجرت‌ها، وابسته به علل و عواملی از جمله دست‌یابی به رضایت مالی، شغلی و انسانی، کسب موقعیت‌های شغلی و رفاهی بهتر، کسب دانش و موقعیت بهتر اجتماعی، نبود رابطه مطلوب بین صنعت و دانش‌آموختگان، محدودیت‌های سنتی-مذهبی و دست‌وپاگیر، مشکلات ناشی از شرایط آب‌وهوایی، حس کنجکاوی و تجربه شخصی جنگ و بلایای طبیعی و ازدواج هستند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۲). در طبقه‌بندی مهاجرت از ویلیام پترسون، به پنج نوع مهاجرت اصلی شامل مهاجرت ابتدایی، اجباری، غیراختیاری، اختیاری و جمعی اشاره شده است. مهاجرت ناشی از جنگ را در کنار مهاجرت‌های ناشی از بلایای طبیعی (سیل، زلزله و خشکسالی) می‌توان در مقوله مهاجرت‌های اجباری جای داد. تغییر در ساختارهای اقتصادی، کسب‌وکار و شغل

خانواده‌های مهاجر باعث بروز پیامدهای دیگری در سطوح مختلف زندگی مهاجرین، از جمله در وضعیت تحصیلی کودکان مهاجر می‌شود. حال فرضیه مقاله حاضر این است که جنگ‌ها، مهاجرت‌های اجباری و جابه‌جایی‌های گروهی را به دنبال دارند، که خود سرچشمه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی هستند. در شرایطی که کشورها درگیر جنگ هستند، به دلیل فراهم نبودن بسترهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی لازم در مقصد و اختلال در نظام آموزشی و همچنین، عدم سازگاری مهاجر با وضعیت جدید، این‌گونه جابه‌جایی‌ها، باعث گرفتاری‌هایی برای مهاجرین جنگی، به خصوص ضعیف‌ترین قشر مهاجر یعنی کودکان محصل می‌شود. در این راستا، ابتدا به وضعیت اشتغال و درآمد مهاجرین و جایگاه آن در دیگر جوانب زندگی مهاجرین پرداخته می‌شود؛ سپس، وضعیت آموزش و تحصیل دانش‌آموزان مهاجر و موانع و مشکلات آنان شامل مسائل اقتصادی، خانوادگی، مسکن و دیگر موارد بررسی می‌گردد.

### پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه موضوع می‌توان به پژوهش خداوردی‌داریان (۱۳۶۴) تحت عنوان «بررسی مسائل و مشکلات تحقیقی دانش‌آموزان مهاجر جنگ تحمیلی»، ضیاء هاشمی و همکاران (۱۳۷۶) تحت عنوان «بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجرین جنگ تحمیلی طی دوران مهاجرت، اسکان و بازگشت، ۱۳۷۵-۱۳۵۹»، زارع (۱۳۸۱) تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری مهاجرین جنگی: خوزستانی‌های مقیم استان فارس» و پژوهش دولت‌آبادی تحت عنوان «بررسی مجدد مسائل (روانی- اجتماعی) مهاجران جنگ تحمیلی بعد از ۱۰ سال» اشاره نمود.

### روش پژوهش

باتوجه به مسئله پژوهش، روش مورداستفاده در این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر بررسی متغیرها، از نوع تحقیقات توصیفی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. در اندازه‌گیری شاخص‌های جمعیتی، مهاجرت و سازگاری مهاجرین در مقصد، از نتایج گزارش بنیاد امور مهاجرین در سال ۱۳۶۹ استفاده شده است. همچنین، محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شهر تهران به عنوان یکی از مهم‌ترین مقصدهای مهاجرین جنگی و بعضاً، خوزستان، به عنوان یکی از مناطق با مهاجرفرستی بالاست و ابعاد زمانی پژوهش حاضر نیز، یک دوره ۲۰ ساله، یعنی از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان دهه

۱۳۷۰ را شامل می‌شود. درواقع، مهاجرین جنگی اشاره به افرادی دارد که به دلیل جنگ و تبعات آن، مجبور بوده‌اند محل زندگی و کسب‌وکار خود را رها ساخته و به محل امنی پناه ببرند. این مهاجرین، پس از سکونت در محل جدید با مشکلات جدیدی روبه‌رو بوده‌اند که ازجمله آن‌ها وضعیت آموزشی کودکان مهاجر است که باتوجه به عللی که ریشه در مهاجرت خانواده‌های این کودکان دارد، در عرصه آموزشی و تحصیلی نیز منجر به افت قابل توجه آنان شده است. مشکلات آموزشی و تحصیلی نیز، درواقع، اشاره به موانع این دانش‌آموزان ازجمله مسائل مربوط به مسکن نامناسب، درآمد پایین خانواده و مسائل روحی و روانی خانواده‌های این دانش‌آموزان دارد.

### یافته‌های پژوهش

#### مهاجرین جنگ تحمیلی: وضعیت اشتغال و درآمد

طی جنگ تحمیلی رژیم بعث صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، بمباران مناطق مسکونی و بسیاری از مراکز اقتصادی توسط این رژیم، صدمات عمیقی را به اقتصاد ایران وارد نمود. براساس بررسی‌های انجام‌شده در جریان جنگ تحمیلی، حدود هشت درصد از حملات دشمن، متوجه مناطق صنعتی بود (رحیمی، ۱۳۸۸: ۶۱، رستم‌علیزاده و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱: ۷۳). حمله به مناطق صنعتی و همچنین، بمباران کارخانه‌ها، علاوه بر ایجاد خسارت در زمینه‌های صنعتی و هزینه بازسازی، بیکاری و تورم را نیز، به دنبال داشت. علاوه بر این، حمله به مناطق کشاورزی و دامداری به یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی جمعیت ایران، خسارات زیادی وارد کرد و منجر به ایجاد تورم، بیکاری، رشد مشاغل کاذب گردیده و ازسوی دیگر، عدم سرمایه‌گذاری‌های لازم در زمینه‌های عمرانی و زیربنایی باعث شد تا کشور توانایی خود را در جهت ایجاد امکانات و تداوم رشد اقتصادی تا اندازه زیادی از دست بدهد (شرزه‌ای و قطمیری، ۱۳۶۸: ۱۸۵).

تداوم حملات دشمن بعثی و مشکلاتی که از این طریق به زندگی ساکنین مناطق جنگ‌زده وارد گردید، منجر به مهاجرت آنان به نواحی داخلی گردید (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). اما، این امر، آنان را تنها از گلوله‌باران دشمن دور ساخت و باید در محلات جدید با مشکلات بسیار بزرگتری روبه‌رو می‌شدند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها- که دیگر مشکلات آنان نیز، متأثر از آن بود- بیکاری و نبود شغل مناسب بود. در تحقیقات میدانی زارع (۱۳۸۱) که در آن به وضعیت

معیشتی مهاجرین خوزستانی مقیم فارس پرداخته شده، ۴۹/۷ درصد از خانواده‌های مهاجران (۱۶۴ خانواده) برای گذران زندگی خود به گونه‌ای به کمک‌های دولتی متکی بوده‌اند، در حالی که، ۵۰/۳ درصد از آنان (۱۶۶ خانواده) خودکفا و مستقل‌اند. کمک‌هایی هم که این مهاجران از سازمان‌های دولتی دریافت کرده‌اند، به دلیل ناچیز بودن، مجبور بوده‌اند به منظور تأمین هزینه‌های امرارمعاش به مشاغل کاذبی همچون کار در خانه‌ها، سیگارفروشی، کارگری و غیره بپردازند. در مجموع می‌توان گفت، این گروه از مهاجران به دلیل شرایط نامساعد معیشتی در معرض آسیب‌های اجتماعی مختلفی قرار گرفته‌اند. براساس این تحقیقات، درصد بی‌سوادان در بین مهاجران جنگ خوزستانی در نمونه مطالعه شده، بالا است. این گروه، بیشتر به مهاجران تحت پوشش یا وابسته تعلق دارد. این افراد یا به دلیل شرایط بد اقتصادی خانواده موفق به تحصیل نشده‌اند و یا این‌که، مشکلات اولیه در اسکان پس از مهاجرت به استان فارس بعد از جنگ موجب شده تا آن‌ها امکان سوادآموزی را نیابند. براساس این گزارش، بیشتر مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس دارای درآمد کمتر از ۴۰ هزار تومان در ماه بوده‌اند، که این امر، خود موجب مشکلات متعددی در امرارمعاش آنان شده است. از جمله این مشکلات را می‌توان: مشکلات خانوادگی، بهداشت و سلامت جسمی - روحی ذکر کرد. نمرات سازگاری مهاجران جنگی در نمونه مطالعه شده، با توجه به شاخص‌های مختلف سازگاری و پاسخ‌های هر فرد مهاجر، محاسبه و مشخص شد که حداقل نمره سازگاری در کل نمونه، ۵۴ و حداکثر نمره سازگاری ۱۷۶ و میانگین آن ۱۲۸ است (زارع، ۱۳۸۱: ۹۸).<sup>۱</sup> همچنین، در مطالعه هاشمی و همکاران نیز، اشاره به مهاجرت‌های داخلی استان کردستان شده که در آنجا نیز، مسئله اشتغال یکی از مهم‌ترین مشکلات مهاجرین بوده که دیگر زمینه‌ها را هم تحت تأثیر قرار داده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۴۶).

اما طبق گزارش «بنیاد امور مهاجرین» در ماه‌های فروردین، خرداد، شهریور، آذر و بهمن سال ۱۳۶۹ در کل کشور به ترتیب ۱۲۷۸۱۰، ۱۲۵۸۱۰، ۱۱۹۵۳۸، ۱۱۴۴۸۲ و ۱۱۳۱۶۳ خانوار مهاجر از خدمات نقدی بهره برده‌اند (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۳۶). همان‌طور که از ارقام موجود

۱. همچنین بنگرید به هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶، ربانی خوراسگانی، ۱۳۷۰ و بلادی موسوی، ۱۳۷۵.

نیز، برمی‌آید، کاهش محسوسی در هر ماه نسبت به ماه قبل وجود دارد که این مربوط به شناسایی و قطع مستمری افرادی بوده که از امکانات شغلی، در سایر سازمان‌ها برخوردار بوده و یا از خود بنیاد در مکان‌های مختلفی کمک دریافت کرده‌اند (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۳۵)، به‌همین دلیل است که در گزارش این سازمان در همین سال (۱۳۶۹) آمده است: «از ابتدای سال جاری به‌منظور رسیدن به توزیع عادلانه مستمری بین خانوارهایی که دارای محرومیت‌های اجتماعی - اقتصادی بیشتری هستند، سعی در کاهش، تعدیل و سپس، قطع مستمری آن دسته از خانواده‌هایی شد که از تمکن بیشتری برخوردار هستند، از این رو، پرداخت‌های نقدی بنیاد از ابتدای سال ۱۳۶۹ به تدریج کاهش یافت». بنابه گزارش بنیاد در فروردین ماه همین سال ۲/۲۳۸/۸۶۲/۳۶۹ ریال پرداخت نقدی به مهاجرین صورت گرفت که این مبلغ، بین ۱۲۷۸۱۰ خانوار توزیع شده است. براساس این گزارشات بنیاد مهاجرین، بزرگترین رقم پرداختی مربوط به جیره و کمک مسکن و آب و برق بوده است (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۳۵). به‌هرحال، کمک‌هایی که بنیاد امور مهاجرین در قالب مستمری به مهاجرین در بهمن ماه سال ۱۳۶۹ نموده، به جز جیره که  $\frac{78}{4}$ ٪ کل پرداخت‌ها را به‌خود اختصاص داده است، به ترتیب کمک مسکن با  $\frac{9}{5}$ ٪، حق بی‌سرپرستی با  $\frac{5}{2}$ ٪، حق ازکارافتادگی با  $\frac{3}{5}$ ٪ بیشترین نوع کمک را به‌خود اختصاص داده‌اند (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۳۶-۳۵). بررسی پرداخت‌های نقدی از دیدگاه استان‌ها نیز، به این گونه بوده که استان خوزستان بیشترین پرداخت‌های نقدی را به‌خود اختصاص داده است و پس از آن، استان باختران و استان فارس بیشترین پرداخت‌ها را داشته‌اند (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۳۶).

بنابراین، در چنین شرایطی، آسیب‌پذیری جامعه از حیث «اعتماد به نفس آحاد جامعه، افول انگیزه‌های کاری، پژمرده شدن نبوغ و قابلیت‌های فطری، غروب خورشید اتحاد و یکپارچگی اجتماعی و بی‌فروغ شدن آزادی‌های فردی و اجتماعی» غیرقابل اجتناب است (هفده‌تن، ۱۳۷۷: ۵۳). در این میان، نبود شغل و درآمد مکفی، منجر به ظهور برخی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی برای مهاجرین گردیده که عبارت‌اند از: گرایش مهاجرین به مشاغل کاذب، سیگارفروشی، دست‌فروشی، روزنامه‌فروشی، مسافركشی، دلالی، قاچاق و کوپن‌فروشی که منجر به خودکشی، ترک و افت تحصیلی فرزندان، بیماری‌های روحی و روانی نظیر افسردگی، بی‌تفاوتی در برابر تحصیل، بیماری‌های جسمانی و معلولیت‌های روانی و جسمانی گردید

(توسلی، ۱۳۷۵: ۱۸۲، جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴، امین‌صارمی، ۱۳۷۷: ۲۱۳). این مشاغل به‌نوبه‌خود، آثار و تبعات فراوانی را برای جامعه به‌دنبال داشت. از جمله اینکه، از ارزش و اهمیت کارهای مفید و مولد کاسته و جامعه را به‌سوی مصرف بیشتر و خریدهای کاذب و قاچاق سوق داده است. همچنین، باعث زشتی سیمای شهرها، ازدحام، سدمعبر و دیگر آلودگی‌ها می‌گردید (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۸۲؛ جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴). از این‌رو، این مسئله را باید به‌نوعی «ناسازگاری» مهاجرین با محیط‌های جدید دانست (زارع، ۱۳۸۱).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین مشکلات مهاجرین در بدو ورود به مکان‌های جدید، نبود درآمد و شغل مناسب و عدم تطبیق شغل‌های سابق در شهرستان‌ها با مشاغل محل سکونت جدید آنان بود (رستم‌علیزاده و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱: ۷۳، رجب‌نیا، ۱۳۶۱). در مطالعات صورت گرفته نیز، مشخص شده است که دلیل روشنی در تبدیل سازگاری شغلی و اقتصادی به سازگاری فرهنگی و اجتماعی در نزد مهاجران جنگی وجود دارد و سازگاری و یا عدم‌سازگاری مهاجران جنگی، خود متأثر از نوع تخصص آنان و میزان تقاضا در بازار کار است (Portes, 1968: 11-15). «مک‌گی» نیز، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که روند سازگاری مهاجرین با شهر جدید بستگی به شخصیت، انگیزه، آرزوها و فرهنگ فرد مهاجر خواهد داشت (McGee, Green, 1978: 66-90). 1971؛ زارع، ۱۳۸۱: ۸۴). بنابراین، در چنین موقعیتی، نمی‌توان انتظار یک زندگی و تحصیل بدون‌دغدغه را برای دانش‌آموزان مهاجر متصور بود.

#### بررسی مشکلات دانش‌آموزان مهاجر جنگ تحمیلی

مهاجرین و آوارگان جنگی که در مکان‌های جدید استقرار می‌یافتند، همواره در شرایط اقتصادی و روانی سختی قرار داشتند که در بخش‌های مختلف زندگی، به‌خصوص در وضعیت تحصیل و آموزش آنان تأثیرگذار بوده است. مشکلات و مسائل مختلف مهاجرت در هوش و ذهن دانش‌آموز اثر می‌گذاشت و جای تردید نیست که عدم توجه به این مسئله، باعث بروز مشکلاتی در مهاجرین گردیده است. مسائل و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر در شهرها از جمله مسائلی بود که از ابعاد گسترده‌ای برخوردار بود. این مسائل، عمدتاً، به‌صورت مسائل اقتصادی، اجتماعی، سکونتی، اخلاقی، خانوادگی نمود پیدا می‌کرد. از جمله مشکلات و موانع دانش‌آموزان مهاجر را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: ۱- مسائل اقتصادی؛ ۲- مسائل



سکونت و شرایط اسکان؛ ۳- مسائل اخلاقی در محیط‌های اقامتی ۴- مسائل خانوادگی و تأثیر آن در تحصیل؛

#### ۱- مسائل اقتصادی و جایگاه آن در تحصیل دانش‌آموزان مهاجر

از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلات پیش‌روی دانش‌آموزان مهاجر و خانواده‌های آنان در شهرهای جدید، مسئله و گرفتاری‌های اقتصادی بود. اگرچه، در این راستا، نهادهای دولتی کمک‌هایی را برای تحصیل این دانش‌آموزان ارائه می‌کردند؛ اما، این‌گونه کمک‌ها، به‌تنهایی کفاف دخل و خرج آنان را در تهران نمی‌داد و برخی از آنان، ناچار می‌شدند یا به‌صورت نیمه‌وقت درس بخوانند و یا اینکه به‌طورکلی، درس را رها کرده و جهت امرارمعاش به شغلی پناه ببرند.

در مصاحبه‌ای که خداوردی‌داریان (۱۳۶۴) با یکی از این محصلین مهاجر داشته، آمده است: «او (مهاجر) به‌واسطه فشارهای اقتصادی، ناچار به ترک تحصیل شده و مشغول به فروش میوه بر روی گاری شده بود. همچنین، در بررسی‌های انجام شده، چنین به‌دست آمده که برخی از شاگردان، شبانه درس می‌خواندند که علت اصلی آن کمبود بودجه خانواده‌ها بوده است (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۲۲).

همچنین، این دانش‌آموزان که برای کار اقدام می‌کردند، دارای تخصص لازم جهت کار در تهران نبودند. هرچندکه برخی از آن‌ها، در آبادان یا خرمشهر یا دیگر شهرها کار می‌کردند؛ اما، بیشتر کارها در آنجا عبارت بودند از: بارنامه‌نویسی و یا بارشماری که این کارها به درد محیط کاری تهران نمی‌خورد؛ از این‌رو، این‌ها اکثراً دارای تخصص خاصی هم‌چون مکانیکی نبودند و برایشان مشکلات بیشتری پیش می‌آمد. بنابراین، این‌گونه بود که اغلب آن‌ها به مشاغل کاذب روی می‌آوردند. به‌همین دلیل، نوجوانان که مجبور بودند به خانواده‌های خود کمک کنند، درس را رها کرده و به‌دلیل کمبود مالی، مجبور به دست‌فروشی می‌شدند که این خود بیانگر فشارهای مالی بر خانواده شخص بود. گرایش و اجبار برخی از دانش‌آموزان به کارهایی که از آن‌ها در جامعه با عنوان مشاغل کاذب یاد می‌شود، از جمله سیگارفروشی جوانان کمتر از ۱۸ سال و یا میوه‌فروشی و دست‌فروشی باعث می‌شد که دانش‌آموز یا به‌طورکلی، ادامه درس را رها کند و یا در کنار درس ساعتی را هم به فروش چیزی سرگرم نماید که این امر آینده

دانش‌آموزان را به‌خطر می‌انداخت؛ چراکه، دانش‌آموزانی که پس از چند مرتبه فروشنده‌گی، اندک درآمدی، آن‌ها را فریب می‌داد و تحصیل را رها کرده، مشغول به کاسبی و خریدوفروش می‌شدند (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۸۲). ازسوی‌دیگر، این دانش‌آموزان با درخواست لوازم و وسایل آموزشی و وجه‌نقد از سوی مدارس مواجه بودند که تهیه‌ی برخی وسایل جهت پاره‌ای از درس که برای دانش‌آموزان باتوجه‌به موقعیت اقتصادی خانواده‌ها با دشواری بسیاری همراه بود و از این بابت دانش‌آموزان دچار عقب‌افتادگی درسی می‌شدند. در همین زمینه، دریافت وجوهاتی از طریق مدرسه برای کمک به جبهه و جنگ بوده که به گفته‌ی خداوردی هرچند این کمک‌ها به‌صورت اجباری نبوده، ولی، برخی از دانش‌آموزان که خود را در شرایط سرافکنندگی در برابر دیگر دانش‌آموزان می‌دیدند، ناچار به پرداخت وجه می‌شدند که این عمل، باتوجه‌به مشکلات مالی، ایجاد مشکل برای دانش‌آموز و خانواده‌ی او می‌کرد. این مسائل ازجمله مشکلاتی بود که در نحوه‌ی تحصیل و علاقه‌ی شخص به مدرسه و درس تأثیرگذار بود. برخی از دانش‌آموزان نیز، به‌دلیل ازدست‌دادن والدین و یا اسارت آن‌ها با وجود صغر سن، مسئولیت خانواده را به دوش می‌کشیدند که این دانش‌آموز به‌جهت مسئولیت‌داشتن در خانواده‌ی خود، باتوجه‌به وضعیت تحصیلی خوبی هم که داشته، مجبور شده است خود را رها کند و به امور سرپرستی خانواده بپردازد (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۸۷). همچنین، وضع اقتصادی و معیشتی ضعیف، موجب پرخاش در میان اعضاء خانواده نسبت به هم می‌شد که این امر بر فرزندان تأثیر سوئی بر جای می‌گذاشت و باعث آزرده‌گی و بیزاری محصلین از بسیاری از مسائل ازجمله درس می‌شد و روحیه‌ی آنان را برای ادامه‌ی تحصیل تضعیف می‌کرد (رستم‌علیزاد و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱: ۷۳).

بنابراین، در چنین شرایطی، دانش‌آموزان برای تأمین معاش خود و خانواده یا مجبور بودند به‌طورکامل ترک تحصیل کنند و یا به‌دلیل نداشتن تخصص لازم به مشاغل کاذب بپردازند که البته عدم تخصص آنان در بیشتر موارد، بیکاری و فساد را به‌دنبال داشته است. برخی از دانش‌آموزان نیز، به‌دلیل ازدست‌دادن پدر و مادر مجبور به کار می‌شدند که این نیز، موجب ترک تحصیل یا عملکرد ضعیف آنان می‌شد (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۸۷). ازسوی‌دیگر، مسائل به‌وجودآمده در زندگی آپارتمان‌نشینی و خوابگاهی باعث بروز برخی مشکلات ازجمله گرایش دانش‌آموزان به کارهای مفسده و دزدی بوده است. در چنین شرایط زیستی که هم

مسائل تغییر مکان از محلی به محل دیگر و هم ازدست‌دادن زندگی و بیچارگی‌های بعد از آن و همچنین، زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی بر روحیه دانش‌آموزان تأثیر منفی گذاشته و از سوی دیگر، با غربتی که دانش‌آموزان در محل جدید احساس می‌کردند، وضعیت علمی و آموزشی آن‌ها، غیرمستقیم تحت تأثیر قرار داده شده بود. بنابراین، در چنین شرایطی، فشارهای مالی، موجب تزلزل سطح سواد آنان گردیده و در این موقعیت، دیگر از نوجوانان نمی‌توان توقع داشت همچون گذشته، تلاش در جهت بهتر درس خواندن داشته باشند. بنیاد امور مهاجرین در این زمینه، کمک‌هایی را برای مهاجرین داشت. این بنیاد به منظور کمک‌های آموزشی تحصیلی، اقدام به اهدای لوازم التحریر به دانش‌آموزان می‌نمود. سالانه به فرزندان دانش‌آموز مهاجر، هزینه تحصیلی نقدی و همچنین، لباس، کفش، کیف مدرسه و دیگر لوازم مدرسه داده می‌شد. هزینه سفر و تاحدودی تحصیل دانشجویان، به‌طور مداوم پرداخت می‌شد. طی هر سال، فرزندان مهاجر می‌توانستند در کلاس‌های تقویتی درسی برگزار شده از طرف بنیاد به‌صورت رایگان شرکت کنند. راه‌اندازی و تقویت مدارس در شهرک‌ها، دادن امتیازات درسی به فرزندان مهاجرین، تشکیل کلاس‌های نهضت سوادآموزی برای مردان و زنان مهاجر، پرداخت هزینه‌های ثبت‌نام و تحصیل دانش‌آموزان و غیره، از جمله خدمات آموزشی - تحصیلی دولت به مهاجرین بوده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۸۱، بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۷۱). نمونه این‌گونه کمک‌های آموزشی دولت به دانش‌آموزان مهاجر در جدول شماره ۱ که توسط هاشمی و همکاران (۱۳۷۶) در مدارس انجام شده است، ارائه می‌گردد:

جدول ۱. توزیع مهاجران مورد مطالعه برحسب برخورداری از امکانات

امکانات	تعداد	درصد	درصد متغیر
مدرسه (سه مقطع)	۲۴۹	۲۲/۲	۲۳/۱
به‌جای دیگر رفتند	۷۹	۷/۱	۷/۳
نوشت افزار رایگان	۹۰	۸/۰	۸/۴
امکاناتی نبود	۲۰۱	۱۸	۱۸/۷
سایر	۴۵۶	۴۰/۸	۴۲/۴
بی‌جواب	۴۴	۳/۹	-
جمع	۱۱۱۹	۱۰۰	۱۰۰

منبع: هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۷۶

## ۲- جایگاه سکونت و مسکن دانش‌آموزان مهاجر در وضعیت تحصیلی آنان

مسئله دیگری که باعث بروز اشکالاتی در نحوه تحصیل و علاقه دانش‌آموزان به مدرسه و درس گردیده بود، مسئله اسکان و حاشیه‌نشینی بوده است (خزایی و زیویار، ۱۳۹۱، موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰). به طوری که، وضعیت بد سکونت، فشارهای زیادی را متحمل دانش‌آموزان کرده و بر کیفیت تحصیل آن‌ها مؤثر بوده است. براساس تحقیقات هاشمی و همکاران (۱۳۷۶)، مسئله مسکن با ۴۸/۶ درصد، مهم‌ترین مشکل خانواده‌ها بوده و نزدیک به نیمی از خانواده‌های مهاجر با این معضل دست‌به‌گریبان بوده‌اند.

هاشمی و همکاران (۱۳۷۶) بیان نموده است که اغلب خانواده‌های مهاجر در منازل با کمترین امکانات زندگی می‌کردند که در بسیاری از آن‌ها، آشپزخانه، توالی و دستشویی به صورت مشترک استفاده می‌شده است. همچنین، در مشاهدات به عمل آمده، ملاحظه گردیده که خانه‌های مسکونی خانواده‌های مهاجر، دارای اتاق‌های تودرتو و امکانات زندگی محدود و در دیوار کثیف و خراب بوده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۳). از این رو، در چنین محیطی، مسلماً، برای دانش‌آموز مهاجر، تمرکز کافی - همچون گذشته - برای تحصیل وجود نخواهد داشت و حتی موجب آزردهی روحی دانش‌آموزان می‌گردد.

در پژوهش خداوردی‌داریان (۱۳۶۴)، از تعدادی از دانش‌آموزان مهاجر، آمده است که در اتاق‌های ۷ نفره زندگی می‌کنند. این عامل یکی از دلایل عمده در عقب‌افتادگی دانش‌آموزان از درس و تحصیل بود؛ چراکه، زندگی کردن هفت نفر در یک اتاق کوچک، باعث می‌شد که دانش‌آموز نتواند آنگونه که باید به درس خود برسد (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۲).

همچنین، در پژوهش هاشمی و همکاران از اقامتگاه‌های مهاجرین به این نتیجه دست یافته شد که ۳۰ الی ۴۰ درصد (در اقامتگاه اول ۳۱/۱ درصد و در اقامتگاه دوم ۳۴/۱ درصد) مهاجرین در مجتمع‌هایی که دولت در اختیار آنان قرار داده بود، سکونت داشتند (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۶۲)؛ از این رو، دانش‌آموزان که برای درس خواندن نیاز به شرایط نسبتاً مناسب دارند، اما وقتی ملاحظه می‌شود که دانش‌آموزی می‌گوید: پدرم بازنشسته است و در یک اتاق ۶ نفره زندگی می‌کنیم، دیگر نمی‌توان از او توقع درس خواندن داشت (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۲).

همچنین، براساس مطالعه دیگری که از سوی خداوردی‌داریان (۱۳۶۴) انجام شده، حدود ۴۰ درصد از خانواده‌های دانش‌آموزان، تعداد بالای هفت نفر بوده است و ۲۱ درصد از خانواده‌ها ۶ نفر و ۱۱ درصد ۵ نفر و ۴ درصد ۴ نفر است (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۶۵). این که یک خانوار در مناطقی در حدود ۳×۴ یا ۵×۴ زندگی می‌کند، برای دانش‌آموز مسائلی را از جمله اینکه نمی‌تواند آن طوری که نیاز دارد، درس بخواند؛ یعنی اگر بعد از ساعت ۹ یا ۱۰ شب خواسته باشد مطلبی را مطالعه نموده و یا چیزی را بنویسد، ممکن است مورد اعتراض دیگران که می‌خواهند استراحت کنند، قرار بگیرد (همان: ۲۱).

مسائل و مشکلات دانش‌آموزان تنها به اتاق‌های شلوغ اقامتگاه‌ها ختم نمی‌شد؛ از آنجاکه محل سکونت مهاجرین عمدتاً، به صورت جدا و مستقل و در محلات خاصی بوده است. از این رو، برای دانش‌آموزان مهاجر، زندگی متفاوت‌تری از سایر دانش‌آموزان فراهم می‌ساخت. به همین دلیل، دانش‌آموزان مهاجر نیز، در ارتباط مستقیم با بقیه دانش‌آموزان نبودند و فقط در مدارس بود که با یکدیگر برخورد داشتند. در مطالعه رجب‌نیا بر روی ساکنین یکی از ساختمان‌های تهران که به مهاجرین جنگ اختصاص یافته بود، نشان می‌دهد که این‌ها با اهالی منطقه، رابطه چندانی خوبی برقرار نکرده‌اند و به‌گونه حاشیه‌نشینی زندگی می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان اعلام کرده‌اند که: «در صف، همه شکایت می‌کنند و می‌گویند گرفتار جنگ‌زده‌ها شده‌ایم» (رجب‌نیا، ۱۳۶۱: ۶۳). حتی، این خانواده‌های مهاجر در محل سکونت خود در مجتمع‌ها با همسایگان نیز، دارای تعارضات بسیاری بودند که بخش دیگری از مسائل و مشکلات آنان نیز، به همین موضوع باز می‌گردد (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۴). براساس مطالعه هاشمی و همکاران، آمده است که تعاملات و تعارضات خانواده‌های مهاجر در زمینه‌های قومی، مذهبی، زبانی و آداب و رسوم، در مواقعی به اختلافات و برخوردهای منفی میان آن‌ها منجر شده است و در این مطالعه به این موضوع پرداخته شده و از مهاجرین درباره تعاملات و تعارضات با همسایگان اعم از همسایگان داخل مجتمع و همسایگان غیرمهاجر، سؤال شده که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد.

جدول ۲. توزیع خانواده‌های مهاجر مورد مطالعه برحسب انواع تعاملات و تعارضات با همسایگان

انواع تعامل و تعارض	تعداد	درصد	درصد متغیر
عدم اختلاف	۸۸۰	۷۸/۶	۸۲/۱
اتهام و کنایه زدن	۳۹	۳/۵	۳/۸
برخوردهای لفظی	۳۴	۳	۳/۲
اختلافات زبانی، قومی و مذهبی	۳۱	۲/۸	۲/۹
سایر	۸۸	۷/۹	۸/۲
بی جواب	۴۷	۴/۲	۰
جمع	۱۱۱۹	۱۰۰	۱۰۰

منبع: (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۱)

در مطالعه خداوردی‌داریان (۱۳۶۴) اشاره گردید که مسئولین برخی از مدارس ریشه فساد را در مجتمع‌های اقامتگاهی می‌دانند و به‌نقل از یکی از مسئولین مدارس آورده است: «در حال حاضر، بیشتر مسائل خلاف اخلاق را که در مدرسه پیش می‌آید، ریشه‌یابی کنیم، به مجتمعی که مهاجران در آن سکونت دارند، باز می‌گردد.» این اظهارات را یک پدر خانواده مهاجر نیز، تأیید نموده و می‌گوید: «محیط اقامتگاهی، سالم نبوده و از نظر اخلاقی مشکل است که بتوان بچه‌ای را به درس خواندن واداشت» (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۴).

برخی مسئولین مدارس که دانش‌آموز مهاجر دارند، معتقدند که علت عدم علاقه تعدادی از دانش‌آموزان مهاجر به درس، گرایش به بی‌بندوباری است و این از اخلاقیاتی است که در اثر زندگی در اقامتگاه و وضع اسکان نامناسب و وضع اقتصادی متزلزل، خود را بیشتر نشان داده است. این واقعیات تأثیر مستقیم بر روی نحوه درس خواندن و به‌ثمر رساندن فعالیت‌های درسی داشته است و اخلاقیات بد باعث می‌شود که شاگرد به جای تعالی از هر نظر رو به تزلزل بگذارد (رستم‌علیزاده و قاسمی‌ارهایی، ۱۳۹۱: ۷۳). طبیعی است که مهاجر در هر محل در یک حالت بده‌وبستان فرهنگی قرار دارد، یعنی آنکه، چیزهایی از اخلاق و روحیات را به محیط خود داده و چیزهایی را هم دریافت می‌کند و این خود می‌تواند مشکلاتی را به وجود آورد؛ چراکه افراد با فرهنگ‌های مختلف به نقاطی با فرهنگ‌های دیگر و آداب و رسوم مختلف می‌روند و این امر، تأثیر خود را در ابتدا در جامعه کوچک در یک محله گذاشته و کم‌کم، اگر چنانچه جنگ

طولانی شود، به کل جامعه نیز، کشانده خواهد شد. زندگی به صورت مجتمع‌های آپارتمانی با شکل خانه‌های مجزا تفاوت دارد؛ چراکه در مجتمع‌های آپارتمانی، افراد خانواده‌ها از حُجب و حیا کمتری برخوردارند و این خود می‌تواند باعث بروز مسائل اخلاقی شود. در این شرایط است که شاگردان، اکثراً محیط زندگی خود را از نظر اخلاقی مناسب نمی‌دانند و این امر، باعث آزدگی آنان می‌شود (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۳، صارمی، ۱۳۷۷: ۲۱۳). در تحقیقات هاشمی و همکاران، مشخص گردیده است که ۵۸ درصد از خانواده‌های مهاجر در محل اصلی زندگی خود چنین مشکلاتی را مشاهده نکرده بودند (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۵).

گرچه در اغلب موارد، زندگی در یک مجتمع آپارتمانی، خود دارای مفاسدی است؛ اما، باتوجه به مصائبی که مهاجرین متحمل آن شده‌اند، به این امر دامن زده شده و بر شدت آن افزوده شده است. در چنین وضعیتی، حیا گذشته در میان برخی از خانواده‌ها از میان رفته که این خود می‌تواند در چگونگی زندگی خانواده و همچنین، در زندگی دانش‌آموزان اثر گذاشته و در امر تحصیل آنان مشکل ایجاد نماید. بی‌بندوباری را به‌عنوان یکی از عوامل مطالب ذکر شده می‌توان تلقی نمود. چراکه در مجتمع‌های آپارتمانی، کنترل خانواده بر فرزند کمتر از زندگی مجتمع‌های غیرآپارتمانی است. در چنین شرایط زیستی است که تغییر مکان از محلی به محل دیگر و هم از دست دادن زندگی و بیچارگی‌های بعد از آن و همچنین، زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی، می‌تواند در روحیه دانش‌آموزان مؤثر بوده و او را وادار به اعمالی چون خودکشی نماید که این گویای فشارهای مختلف روحی است که حداقل می‌توان به این امر توجه نمود که مسائل موجود در مهاجرت، آن را تقویت کرده است. این‌گونه است که مشاهده می‌شود اکثر محصلین در خانواده‌های پرجمعیت زندگی می‌کرده‌اند که می‌توانست نتایج مخربی بر روی تحصیل دانش‌آموزان داشته باشد (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۸۴-۸۳). اما مشکلات دیگری همچون عدم‌علاقه به معلمان کنونی نیز، وجود داشته است. براساس بررسی‌های انجام شده در مدرسی که دانش‌آموزان مهاجر در آن حضور داشتند، مشخص شد که دانش‌آموزان با برخی از معلمان شهر تهران، رفتارشان خوشایند نبوده و به آنان علاقه‌ای ندارند و ترجیح می‌دهند هرچه زودتر به زادگاه خود بازگردند (همان: ۹۸). به‌همین دلیل است که می‌بینیم در تحقیق انجام شده احمد خداوردی‌داریان، از ۱۰۰ دانش‌آموز مهاجر جنگ تحمیلی مقطع راهنمایی و متوسطه که در ۲۲ اقامتگاه در سطح شهر اقامت داشتند، این سؤال که «آیا دوست

دارید پس از جنگ در تهران بمانید؟» پرسیده شد، اکثراً، به این سؤال پاسخ منفی داده بودند. که این پاسخ‌های منفی عمدتاً بیانگر احساس غریبی دانش‌آموزان مهاجر نسبت به محیط تهران است (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴، رستم‌علیزاده و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱: ۷۴، رجب‌نیا، ۱۳۶۱: ۷۸). بنابراین، در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان از این دانش‌آموزان همان توقعی را برای درس خواندن داشت که از یک دانش‌آموز در شرایط مناسب انتظار می‌رود (رستم‌علیزاده و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۵).

### ۳- برخی دیگر از مشکلات دانش‌آموزان مهاجر و خانواده‌های آنان

از دیگر مسائلی که باعث می‌شد دانش‌آموزان، تحصیل خود را آن‌طوری که دوست دارند، نتوانند ادامه دهند و فعالیت‌های مناسبی نمایند، مسائل و مشکلات خانوادگی بود. مسائل و مشکلات خانوادگی در میان مهاجرین موارد متعددی را شامل می‌شد که در اینجا، یکی از مسائلی که بیش از دیگر موارد در وضعیت دانش‌آموزان مؤثر بوده، فوت برخی اعضای خانواده کودکان مهاجر بوده است. در تحقیق هاشمی و همکاران، حدود ۲۴/۱ درصد خانواده‌های نمونه در اظهار نظر راجع به واقعه فوت در میان اعضای خانواده خویش، پاسخ بلی و ۷۵/۶ درصد پاسخ خیر دادند (هاشمی و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۹).

دانش‌آموز مهاجری در خاطرات خود چنین می‌نگارد: «بعد از چند روز خیر آوردند که سه برادر و پدرت شهید شده‌اند، نمی‌دانستم خوشحال باشم یا گریه کنم. دیگر هیچ‌گاه انسان قبلی نخواهد بود» (خاطرات جنگ، ۱۳۶۳: ۱۸، جنگ و مردم، ۱۳۶۱: ۴۲).

مسئله دیگری که تحصیل دانش‌آموز را از طرف خانواده با مشکل مواجه می‌ساخت، عدم توجه والدین به اوضاع و احوال درسی فرزندان بود. در تحقیقات خداوردی‌داریان آمده: یکی از مسئولین مدرسه‌ای، بیان می‌کرد که پدر و مادر محصلین مهاجر کمتر به مدرسه مراجعه می‌کنند و بیشتر مواقع پس از درخواست ما به مدرسه می‌آیند نه با علاقه و از قبل؛ در محیط منزل نیز، برای دانش‌آموز قطعاً، مسائلی است که در روحیه او بی‌تأثیر نخواهد بود؛ زیرا، دیده شده که در گروه‌بندی‌های مدرسه‌ای، شاگردی مشخصاً با استعداد بوده، ولی در محیط منزل همین شاگرد نمی‌توانسته درس بخواند و نمرات خوبی نیاورده است و این خود باعث می‌شود که اگر به شاگرد مهاجر توجه نشود، شاید خیلی ساده در درسش چرخشی به بدی و ضعیفی بروز نماید (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۵-۷۶). دانش‌آموزی که اظهار می‌دارد: «هرشب پیش از رفتن



به زیرزمین به مردم می‌گفتیم که ما سی نفر هستیم در زیرزمین، اگر خانه روی ما خراب شد ما را بیرون بیاورید» (خاطرات جنگ، ۱۳۶۳: ۱۸)؛ (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۶-۷۵)، او دیگر شاید تمامی فکر و ذکرش مسائل آوار و خراب شدن و مردن باشد، تا مسائلی از قبیل درس و مدرسه. از این‌رو، درس خواندن در این شرایط برای هرکسی سخت می‌نماید. این دانش‌آموز زمانی که مجبور به مهاجرت می‌شود، با روحیه نمی‌تواند همان رفتار و حالات یک دانش‌آموز معمولی را داشته باشد و چنین است که می‌بینیم پدر یا مادر چنین اظهار می‌دارد که: «فرزند من قبل از مهاجرت از نظر درسی خوب بوده ولی از زمانی که مهاجرت کرده و به این اقامت گاه آمده‌ایم درسش خراب شده است». در اینجا دو عامل خودنمایی می‌کند، یکی مسائلی که در اثر جنگ بر دانش‌آموز تأثیر گذاشته، که قبلاً ذکر شد و دیگری محیط نامناسب که آن‌را تشدید نموده است (همان، ۷۷)؛ (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۱). چه آنان که مهاجرت کردند و چه آنان که در شهرهای خود باقی ماندند با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند. تأثیر جنگ و مهاجرت، در برخی مواقع به اندازه‌ای بود که باعث می‌شد تا در یک خانواده اکثر دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی مردود شوند، چنانچه پدری اظهار می‌دارد: سه نفر از فرزندان ما در سال گذشته (۶۲-۶۳) رد شده‌اند. اظهارات مسئولین مدارس می‌کند که چنین دانش‌آموزانی را داشته‌اند، حاکی از آن است که شاگردان اکثراً پذیرش در سر کلاس را ندارند که این خود می‌تواند مسائلی را در سطح آموزش و پرورش به وجود آورد، که از جمله آن‌ها می‌توان به دروغ گفتن اشاره کرد که در اثر فشارهای مختلف توسط خانواده رواج یافته است، زمانی که دانش‌آموز در این جو قرار می‌گرفته دروغ گفتن در او نیز، عادی شده است (خداوردی‌داریان، ۱۳۶۴: ۷۷).

در پژوهشی که از سوی زارع (۱۳۸۱) از سطح تحصیلات و سازگاری مهاجرین جنگی خوزستان که در استان فارس ساکن می‌باشند، به عمل آمده، می‌توان به نشانه‌هایی از تأثیر مسائل پیرامونی هم‌چون سازگاری محصلین در وضعیت درسی آن‌ها دست یافت. براساس این تحقیقات، درصد بی‌سوادان در بین مهاجران جنگی خوزستانی بالا بوده است که این افراد یا به دلیل شرایط بد اقتصادی خانواده موفق به تحصیل نشده‌اند و یا این که مشکلات اولیه در اسکان پس از مهاجرت به استان فارس بعد از جنگ موجب شده تا آن‌ها امکان سوادآموزی را نیابند (زارع، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۲). براساس گزارشات بنیاد امور مهاجرین نیز، در نه ماهه اول سال ۱۳۶۹، طی دو مرحله اقدام به بسیج سوادآموزی با اعتباری معادل ۳۲/۵۹۰۲/۱۲۰ ریال هزینه

خرید موکت برای تجهیز کلاس‌ها، خرید پارچه پیراهنی و چادر زنانه با دائر نمودن کلاس‌های آموزشی ۱۱۰۷۹ نفر سوادآموز و همچنین، تعداد ۱۶۲۵ نفر نیز، به‌صورت آزاد جذب کلاس سوادآموزس بنیاد شدند. در مرحله دوم طرح بسیج سوادآموزی نیز، با ۵۱۰ کلاس تعداد ۹۳۸۷ نفر مشغول سوادآموزی شدند (بنیاد امور مهاجرین، ۱۳۶۹: ۷۳). با نگاهی به وضعیت کنونی آموزش و پرورش در مناطق جنگ‌زده می‌توان فهمید که همچنان پس از گذشت سه دهه از جنگ، این مناطق با کمبود امکانات و افت تحصیلی دانش‌آموزان روبه‌رو هستند. به‌طوری‌که طبق گزارش یکی از مسئولین خوزستان در سال ۱۳۹۵، آموزش و پرورش این استان در بین ۳۲ استان کشور در رتبه ۲۷ قرار داشته است (ایرنا، ۱۳۹۵). براساس آمار شهیدان جنگ تحمیلی، دانش‌آموزان با آمار ۳۳/۰۰۰ شهید در جریان جنگ هشت ساله پس از سپاه و ارتش بیشترین تعداد شهیدان را به خود اختصاص داده‌اند.

### نتیجه‌گیری

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، حجم فراوانی از جابه‌جایی‌های جمعیتی و مهاجرت‌های اجباری را به‌دنبال داشت. در پی بمباران شهرهای مرزی ایران، بسیاری از ساکنین این نواحی رو به مهاجرت آوردند که در پی آن جمعیت برخی استان‌های داخلی دوبرابر شد. این گونه مهاجرت‌ها که به یکباره و بدون برنامه قبلی و در جریان جنگ تحمیلی صورت می‌گرفت، رفته‌رفته کشور را با مشکل جدیدی مواجه ساخت و دشمن بعثی هم که نتوانسته بود در میدان‌های نبرد به اهداف خود دست یابد، تلاش می‌کرد تا با گلوله باران شهرهای مرزی و ایجاد آشفته‌گی داخلی، به مقصود خود دست یابد. از این‌رو، بمباران دشمن و وضعیت بد اقتصادی، گروه‌گروه از ساکنین نواحی مرزی را به شهرهای مجاور و مناطق مرکزی ایران کشاند. اما این مهاجرین پس از ورود به شهرهای جدید، با مشکلات بسیاری اعم از اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو بودند که این امر ساکنین شهرهای مهاجرپذیر را نیز، با مشکلات اجتماعی بسیاری مواجه می‌ساخت. تهران از جمله این شهرها بود که مقصد بسیاری از مهاجرین جنگی به‌شمار می‌رفت. مهاجرین جنگ‌زده ساکن تهران نیز، هم‌چون سایر شهرها با مشکلات اجتماعی و اقتصادی عديده‌ای مواجه بودند که از جمله آنان، وضعیت نامناسب تحصیلی دانش‌آموزان مهاجر بود که ضعیف‌ترین قشر مهاجر به‌شمار می‌رفتند. در بررسی‌های انجام شده از وضعیت دانش‌آموزان مهاجر جنگ تحمیلی، مشخص شد که ریشه

عمده‌ی موانع موجود بر سر راه مهاجرین ساکن تهران مسائل اقتصادی بوده که تأثیری مستقیم در وضعیت آموزشی دانش‌آموزان نیز، بر جای نهاده است. اما مسائل دیگر از قبیل مشکلات مربوط به مسکن و اشتغال گرچه در هر شرایط وجود داشته، اما در شرایط بحرانی جنگ، تأثیر آن بر مهاجرین به مراتب بیشتر بوده است. از این‌رو، این امر باعث شده تا بسیاری از دانش‌آموزان که وضعیت خوبی قبل از مهاجرت داشتند، پس از مهاجرت با عملکرد ضعیف و یا حتی ترک تحصیل مواجه شوند. بسیاری از این محصلین مجبور به دست‌فروشی و مشاغل کاذب شدند که آن‌ها را به مرور از درس و تحصیل به دور داشت. بسیاری از مناطقی که در زمان جنگ محل سکونت مهاجرین بوده، همچنان نیز، دارای مشکلاتی هستند و جزو محلات ضعیف این شهرها به حساب می‌آیند. به طوری که امروزه نیز، وضعیت آموزش و پرورش و تحصیل کودکان در خوزستان به دلیل تأثیر مخرب جنگ و نابودی زیربنای آموزشی و مهاجرت ساکنین، از کیفیت لازم برخوردار نبوده و آموزش و پرورش این استان از لحاظ سطح‌بندی آموزشی کشور در سطح پایینی قرار گرفته است. همچنین، در تهران نیز، بسیاری از این خانواده‌ها همچنان از مشکلات مالی بسیاری رنج می‌برند و عمدتاً در محلات جنوب شهر ساکن هستند.

## الف) منابع فارسی

- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۷۷). جنگ، مهاجرت تحمیلی و سامان فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ویژه دفاع مقدس، سال سوم، شماره نهم، صص ۲۰۸-۲۳۰.
- بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۷۵). تأثیر جنگ بر شاخص‌های جمعیتی استان خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- بنیاد امور مهاجرین (۱۳۶۹). عملکرد بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی کل کشور (گزارش دولتی)، تهران: بنیاد امور مهاجرین.
- بوتول، گاستون (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- جمشیدی، فخری (۱۳۸۰). «بیکاری و طبقات آن در میان مهاجرین جنگ تحمیلی»، مجله کار و جامعه، شماره ۱، صص ۵۲-۵۶.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۶۵). بررسی کار، فراغت و آسیب‌های اجتماعی مهاجرین جنگ تحمیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خاطرات جنگ (۱۳۶۳). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خداوردی‌داریان، احمد (۱۳۶۴). بررسی مسائل و مشکلات تحقیقی دانش‌آموزان مهاجر جنگ تحمیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

خزایی، زهرا و زیویار، پروانه (۱۳۹۵). «بررسی و ارزیابی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی کوی سیاحی کلان‌شهر اهواز)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۰-۱۰۵.

ربانی خوراسگانی، رسول (۱۳۷۰). پدیده جنگ و پیامدهای آن با تأکید بر ابعاد جمعیتی جنگ ایران و عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

رجب‌نیا، پرتو (۱۳۶۱). مطالعه جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی گروهی از مهاجرین جنگ ایران و عراق در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

رحیمی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی آثار و تبعات جنگ شهرها در ایران»، فصلنامه نگین ایران، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۵۳-۷۰.

رستم‌علیزاده، ولی‌الله؛ قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۱). آثار و پیامدهای جمعیتی اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران، پژوهش‌نامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۲، صص ۲۹-۵۷.

زارع، بیژن (۱۳۸۱). جنگ و مهاجرت: نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس، مجله‌نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱ و ۲، صص ۷۹-۱۰۴.

زاهد، سعید (۱۳۸۵). نگاهی کلان به مهاجرت و توزیع جمعیت در ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، مجله‌نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، صص ۱۶۸-۱۹۸.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.

شرزه‌ای، علی؛ قطمیری، محمدعلی (۱۳۸۲). تحلیل برخی از اثرات جنگ بر اقتصاد ایران و نتایج آن بر امر بازسازی، مجموعه مقالات دومین گردهمایی نقش پژوهش در بازسازی، شیراز: دانشگاه شیراز.

شیخی، محمدتقی (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر جمعیت‌شناسی، تهران: نشر آرام.

هاشمی، ضیاء و همکاران (۱۳۷۶). بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مهاجران جنگ تحمیلی در دوران مهاجرت، اسکان و بازگشت (۱۳۷۵-۱۳۵۹)، طرح جهاد دانشگاهی تهران.

معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

موحد، علی و همکاران (۱۳۹۱). «تأثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین، مطالعه موردی: منطقه ملاحیه اهواز، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۴، صص ۲۶-۱».

هفده‌تن، حسن (۱۳۷۷). تاوان‌های ناشی از پدیده بیکاری، فصلنامه کار و جامعه، شماره ۴۲، صص ۳۰-۲۴.

ودیعه، ساسان (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۱۳۳-۱۵۴.

#### ب) منابع لاتین

Green, Sarah (1978). Comparative Studies of Migrant Adjustment in Asian Cities, IMR, Vol. 12, No. 1.

Lee, Everetts (1966). A Theory of Migration, Demography, vol. 3, No. 1.

Modell, John; Haggerty, Timothy (1991). The Social Impact of War, Annual Review of Sociology, Vol. 17, pp. 205-224.

Miguel, Edward; Roland, Gerard. (1985). The Long Run Impact of Bombing Vietnam, BREAD Working Paper, No. 111, Bureau for Research and Economic Analysis of Development.

McGee. T. B. (1971). The Urbanization Process in the Third World, London: G.Bell and Sons.

Portes, A. (1968). Dilemas of the Golden Exile: Integration of Cuban Refugee Families in Milwaukee. American Sociological Review, Vol. 34.

Zimmer, Zachary; Knodel, John; Kim, Kiry Sovan; Puch, Sina. (2006). The Impact of past Conflicts and Social Disruption on the Elderly in Cambodia, Population and Development Review, Vol. 32, No. 2, pp. 333-360.